

یادداشت‌های پکن

محمد دهقانی

www.ketaboo.ir



نگاره آفتاب، ۱۳۹۴

- سرشناسه : دهقانی، محمد، ۱۳۴۴ -
عنوان و نام پدیدآور : یادداشت‌های یکن
مشخصات نشر : تهران، نگاره آفتاب، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری : ۱۸۴ ص، مصور
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۵۳-۱۴-۰۰
وضعیت فهرست‌نویسی : فبیای مختصر
یادداشت : فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.
شناسه افزوده : میرزائی، علی، ۱۳۲۸ -، ویراستار.
شماره کتابشناسی ملی : ۳۷۸۲۲۲۸

یادداشت‌های یکن

محمد دهقانی

ویراستار: علی میرزائی

طراح گرافیک و صفحه‌آرا: مهشید جعفری

حروفنگار: مریم پوریوسف

لیتوگرافی: باران

چاپ و صحافی: پژمان

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۴



نشر نگاره آفتاب

۱۱		اشاره	•
۱۵		پکن در نگاه نخست	•
۲۵		اندر آداب خوردن	•
۳۵		امنیت و سیاست در چین	•
۵۱		تیان آن‌من	•
۶۱		یونگ هه گونگ	•
۶۵		تیان تن	•
۶۹		ای‌هه یوئن (کاخ تابستانی)	•
۷۵		یوئن مین یوئن (کاخ سوخته)	•
۸۱		ماجرای غم‌انگیز فالون گونگ	•
۱۰۱		زبان فارسی و مسلمانان پکن	•
۱۲۱		زندگی دانشگاهی در پکن	•
۱۲۱		بیجینگ داشوئه	○
۱۳۵		دانشجویان و استادان چینی	○
۱۴۴		سخنرانی عجیب	○
۱۴۷		کتاب و نشر	○

• جادوی خط چینی ۱۵۱

• شعر چینی ۱۶۵

○ شعرهایی از وانگ وی (۷۰۱-۷۶۱ م.) ۱۶۹

• به یاد برادرم در پوجو

• صحرا پس از باران

• تقدیم به دوست دانشمندم، پی دی

• شادی روستایی

• بازگشت به خانه در کوه سونگ

• غم عشق

• کوهستان در غروب پاییز

• آهنگ کانسوی غربی

• بدرود

• تنها در شبی پاییزی

• خانه‌های روستایی در کنار رود وی

• شعر چوپانی در بهار

• بیشه خیزران

• آهنگ جوانی

○ شعرهایی از لی بی (۷۱۰-۷۶۲ م.) ۱۷۹

• آشوب عشق در بهار

• گذرگاه مرزی، کوهستان و ماه

• بر ایوان سیمرغ در شهر جین لینگ

• تماشای آبشار در کوه تیان شان

• روان در پی پیشینیان

• آواز آتش



آشاره

سال تحصیلی ۱۳۸۴-۱۳۸۵ را به عنوان مدرس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه پکن گذراندم. حاصل اقامت چندماهه ام در چین، که عمدتاً هم در پکن گذشت، مثنی عکس و یادداشت بود که آنها را به مرور منتشر کردم. انتشار نخستین بخش این یادداشت ها در فصلنامه **نگاه نو** (شماره ۷۹، آبان ۱۳۸۷) با استقبال خوانندگان آن، و به ویژه برخی دوستان و استادان خوش ذوق و دانشمند، مواجه شد و مرا ترغیب کرد که بخش های دیگر را هم به تدریج آماده کنم و در شماره های پی در پی **نگاه نو** به نظر علاقه مندان برسانم. سردبیر گرامی **نگاه نو**، آقای علی میرزایی، همان وقت ها این قول را از من گرفتند که مجموع یادداشت ها را به صورت کتابی درآورم و برای انتشار در اختیار ایشان قرار دهم. با این که مصمم بودم به وعده خود در اسرع وقت وفا کنم، مشغله و پراکنده اندیشی مانع آمد و اجرای آن وعده را از تابستان ۱۳۹۰ تا کنون به تأخیر انداخت. در

این مدت استاد و ادیب فیلسوف و دانشمند، آقای دکتر حسین معصومی همدانی، هم هربار که ایشان را می‌دیدم با نظر لطف یادآور می‌شدند که یادداشت‌های پکن را بهتر است یک‌جا و بین‌الدفتین منتشر کنم. اکنون خوشحالم که فرصتی دست داد تا آن مجموعه پراکنده را از نو مدون سازم و باز به دست باکفایت دوست ارجمند، آقای علی میرزایی، بسپرم تا این‌بار همه را در قالب کتاب و در سه‌جله انتشارات نگاره آفتاب به علاقه‌مندان عرضه کنند.

در شماره‌های ۸۴ و ۸۵ در بخش «نامه به نگاه‌نو» اظهار لطف دو تن از خوانندگان ارجمند را درباره یادداشت‌های پکن خواندم و البته انتقادهایشان را هم که منحصر می‌شد به بخشی از نوشته من درباره گروهی از توریست‌های اروپایی. عمده اعتراضشان هم این بود که چرا تعصب و بی‌پروایی به خرج داده‌ام و در وصف چند توریست اروپایی تغییراتی تند و نامناسب به‌کار برده و آنها را از روی «افراط‌گرایی و ستیز با واقعیت» مسئول اعمال نیاکانشان دانسته‌ام. این که ملت‌ها مسئول اعمال نادرست گذشتگانشان هستند یا نه، بحثی دامنه‌دار و جذاب است و خود نیاز به مقاله‌ای مفصل دارد. همین قدر اشاره می‌کنم که فضیله آن قدرها هم که در بادی امر به نظر می‌رسد ساده و بدیهی نیست. اگر آمروریان هیچ مسئولیتی در قبال اعمال گذشتگان ندارند، مردمان ترکیه قرن بیست و یکم چرا باید ابا داشته باشند از این که نیاکانشان مسئول کشتاری قلمداد شوند که حدود یک قرن پیش به‌وقوع پیوسته است، یعنی وقتی که احتمالاً هیچ‌یک از مردمان امروزی ترکیه هنوز به دنیا نیامده بودند؟ و چرا ما ایرانی‌ها باید خوشحال باشیم از این که مثلاً وزیر خارجه فلان کشور سرانجام بابت کودتایی از ما عذرخواهی کند که شصت سال پیش به‌وقوع پیوسته و هیچ ربطی به او و دولت متبوعش ندارد؟ اما گذشته از این بحث جدی که به جای خود

درخور تأمل است، تصور می‌کنم دوستانی که بی‌شک از سر بزرگواری و انسان‌دوستی درخور تقدیر به خود زحمت داده و نامه نوشته و چنین ایرادی به من گرفته‌اند به این نکته ظریف عنایت نداشته‌اند که «من»ی که راوی یادداشت‌های پکن است در بسیاری جاها فرق دارد با «من» محمد دهقانی در مقام پژوهنده‌ای بی‌طرف و فارغ از احساسات. این «من» راوی تماشاگری خونسرد نیست، خودش جزئی از صحنه‌ای است که توصیف می‌کند. از آن‌چه می‌بیند و احساس می‌کند متأثر می‌شود، غصه می‌خورد، می‌خندد، می‌ترسد، خشم می‌گیرد، و گاهی هم تعصب می‌ورزد و هیچ در بند این نیست که «منطقی» و «واقع‌نگر» باشد، «واقعیت» را نه چنان‌که هست — بکرو و استوار و بی‌تغییر — بلکه در هر لحظه و صحنه به شکلی دیگر — برحسب تأثرات خودش — می‌بیند و گزارش می‌کند. این «من» فقط به یک چیز متعهد است؛ و آن این‌که در بیان احساسات و تأثرات خود، اگرچه گاهی ناخوشایند و دور از هنجار به نظر رسند، صادق باشد. «من» در یادداشت‌های پکن کوشیده‌ام فقط راوی صادق ادراک‌ها، تجربه‌ها و احساساتی باشم که در آنات مختلف از سر گذرانده‌ام، و البته می‌دانم که اینها گاهی اصلاً خوشایند نیستند، چنان‌که برای خودم هم نبوده‌اند.

این یادداشت‌ها حدود یک دهه پیش نوشته شده‌اند. در این یک دهه کشور پهناور چین و مخصوصاً پایتخت آن پکن، که موضوع اصلی این یادداشت‌هاست، بی‌تردید مدرن‌تر شده و از حیث فناوری و تکنولوژی لابد بسیار تغییر (بیشرفت؟) کرده است. اما به گمانم، مثل هر فرهنگ و تمدن کهنسال دیگری، هسته‌هایی که بنیاد هستی چین‌اند در پس این تغییرات ظاهری هم چنان پایدار مانده‌اند. همین هسته‌های فرهنگی ثابت و لایتغیرند که خیابان‌های پکن یا شانگهای را با همه آسمان‌خراش‌ها و اتوموبیل‌های مدرنشان از هر جای

مدرن دیگری در جهان جدا می‌کنند و باعث می‌شوند احساس کنی آن‌چه سنگین‌تر از هر نمایش مدرن و فرامدرنی در هوای این خیابان‌ها جریان دارد نقش و نفَس بودا و کنفوسیوس و لائوتسه است. اگر هم چیزی در یادداشت‌های پکن باشد که به‌رغم گذشت زمان باز بتواند توجه کسی را برانگیزد لابد همین نفعه ملایم و ماندگاری است که از عبیر فرهنگ باستانی چین برآمده و، بی‌آن‌که نویسنده خود دانسته باشد، با واژه‌های او درآمیخته است.

محمد دهقانی

بهار ۱۳۹۲

